

اعتبارسنجی تحلیلی روایتِ برابری ثواب زیارت عبدالعظیم علیه السلام با

حضرت سیدالشهدا علیه السلام*

علی محمودآبادی** و عباس محمودی***

چکیده

یکی از اعمالی که در روایات اسلامی برای آن ثواب فراوانی بیان شده زیارت امام حسین علیه السلام است. برابری ثواب یک عمل با عمل دیگر از جمله موضوعاتی است که در آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است. عبدالعظیم حسنی از محدثان بزرگ شیعه است. در روایتی از امام هادی علیه السلام، زیارت عبدالعظیم علیه السلام برابر با زیارت امام حسین علیه السلام دانسته شده است. از آنجا که حدیث مذکور، خبر واحد بوده و موضوعی مهم یعنی برابری زیارت غیرمعصوم با سیدالشهداء علیهم السلام را بیان نموده، اعتبارسنجی آن ضرورت می‌یابد. کاربردی بودن این موضوع از یک سو، تک روایت بودن حدیث و همچنین ارسال آن از سوی دیگر اهمیت مطلب را دوچندان نموده است. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از همه قرائن مؤثر در اعتبارسنجی حدیث، جایگاه حقیقی صدور روایت را بررسی و تحلیل نموده و یافته این تحقیق، اثبات امکان صدور روایت مورد نظر از معصوم علیه السلام است. این تحقیق در دو بخش بررسی اعتبار حدیث و پاسخ به شبهات احتمالی، تنظیم شده است.

کلیدواژه‌ها: عبدالعظیم حسنی، خورشید ری، زیارت امام حسین علیه السلام، زیارت قبور.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۲ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵.

** طلبه حوزه علمیه قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛ (amabdi697@gmail.com).

*** مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، ایران؛ (abbasmahmoodi1358@yahoo.com).

مقدمه

زیارت امام حسین علیه السلام از مستحبات موگدی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام بر آن تاکید فراوانی شده و ثوابی بی نظیر برای آن بیان گردیده است. بر اساس روایتی که در دو منبع کهن شیعی یعنی «ثواب الاعمال» شیخ صدوق و کامل الزیارات اثر ابن قولویه آمده، امام هادی علیه السلام به شخصی از اهل ری که پس از زیارت سیدالشهداء علیه السلام محضر آن حضرت شرفیاب شده بود، فرمودند اگر مزار عبدالعظیم حسنی را در ری زیارت کرده بودی مانند این بود که امام حسین علیه السلام را زیارت کرده باشی. با توجه به عظمت زیارت سیدالشهداء علیه السلام و چگونگی برابری زیارت غیر معصوم با زیارت معصوم از یک سو و تک روایت بودن موضوع و همچنین ارسال حدیث از سوی دیگر، باعث ایجاد این سوال مهم گردیده که آیا امکان صدور چنین روایتی از معصوم وجود دارد؟ تحقیق حاضر، در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش تلاش کرده با جمع‌آوری قرائن مختلف و مؤثر در اثبات صدور روایت، اعتبار و جایگاه آن را مشخص کند و در مرحله بعد، به شبهات موجود در این مسأله پاسخ داده شود. پژوهش حاضر، در دو بخش ارائه می‌شود. الف. بررسی اعتبار و صدور حدیث؛ ب. پاسخ به برخی شبهات احتمالی.

الف. بررسی اعتبار و صدور حدیث

محدثان و فقهای شیعه در اعتبار و گزینش حدیث دو دیدگاه دارند؛ دیدگاه اول: وثوق صدوری؛^۱ و دیدگاه دوم: وثوق سندی.^۲ در دیدگاه وثوق سندی، تنها راه ارزیابی حدیث، سند است.^۱ از آنجا که

۱. از جمله علمای بزرگ و فقیهان شیعه که پیرو مکتب وثوق صدوری بوده‌اند، می‌توان به عالمان ذیل اشاره کرد:

- قدمای اصحاب: از عصر کلینی و شیخ صدوق تا محقق حلی.
 - متأخران: عالمان و فقیهان پس از محقق حلی.
 - اخباریان: گروهی از عالمان و فقیهان قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری، از جمله محدث بحرانی.
 - اصولیان: عالمان پس از پایان یافتن دوره اخباری‌گری و به انزوا کشانده شدن این اندیشه، یعنی از زمان وحید بهبهانی تا کنون. ر.ک: مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ربانی بیرجندی، محمدحسن، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۲. از عالمانی که پیرو مکتب وثوق سندی هستند، می‌توان به عالمان ذیل اشاره کرد: شهید ثانی، محقق اردبیلی، شیخ حسن عاملی، سیدمحمد عاملی و از معاصران: سیدابوالقاسم خوئی. ر.ک: مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، ربانی بیرجندی، محمدحسن، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

مشهور عالمان شیعه به‌ویژه قدما به‌دلیل جامعیت نظریه اول، آن را پذیرفته‌اند در این پژوهش نیز به‌دلیل بهره‌گیری از همه قرائن صدوری روایت برای مشخص شدن جایگاه واقعی حدیث، روایت مذکور بر اساس مبنای وثوق صدوری ارزیابی می‌گردد.

متن روایت مورد بحث در کتاب ثواب الاعمال، این گونه است:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ رَه قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَمَّنْ دَخَلَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيْنَ كُنْتَ قُلْتَ زُرْتُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۲

این روایت در کتاب کامل الزیارات نیز با سندی دیگر چنین آمده است:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الرَّيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَيْنَ كُنْتَ فَقُلْتُ زُرْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ لَكُنْتَ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۳

در این مرحله، به بررسی اعتبار و صدور روایت پرداخته می‌شود. به همین دلیل، همه قرائنی که در افزایش اعتبار صدوری حدیث مؤثر است، آورده می‌شود.

۱. بررسی اعتبار سند روایت

یکی از قرائن صدور و پذیرش حدیث، صحت سند است. سند یعنی سلسله راویان حدیث از صاحب کتاب تا معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ. امامان شیعه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأکید فراوانی بر نقل روایات به‌طور مسند داشته‌اند و خود نیز در جاهایی که احتمال می‌رفت در موضع تهمت قرار گیرند و مخاطب، سخن آنها را نپذیرد؛ روایات خود از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با سند کامل نقل می‌کردند. امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

۱. آیت الله خویی ره در این‌باره می‌فرماید: «بل الميزان في حجية الخبر تمامية سنده في نفسه؛ بلکه میزان در

حجیت خبر، وثاقت سند است.» ر.ک. مصباح الأصول، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. ثواب الاعمال، ص ۹۹.

۳. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

«إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ»^۱ هرگاه خواستید حدیثی را بیان کنید آن را به کسی که برای شما بازگو کرده، اسناد دهید که در این صورت اگر آن کلام حق باشد، نفعش برای شما است و اگر دروغ باشد، ضررش برای او است.

بنابراین، با توجه به جایگاه سند، ابتدا هر سند به‌طور جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱/۱. سند روایت ثواب الاعمال

تک تک راویان این حدیث که در سند ثواب الاعمال آمده‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

راوی اول: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه

محمد بن علی بن الحسین، شیخ صدوق بوده که مؤلف کتاب ثواب الاعمال است. شیخ طوسی دربارهٔ ایشان می‌نویسد:

محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، یکنی أباجعفر، جلیل القدر حفظه، بصیر بالفقه و الأخبار و الرجال، له مصنفات كثيرة ذكرناها في الفهرست، روى عنه التلعكبري، أخبرنا عنه جماعة، منهم محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيدالله.^۲

راوی دوم: علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق

ایشان از مشایخ ابن بابویه است شیخ صدوق روایات فراوانی از وی نقل نموده است. بر اساس جستجوی انجام شده در نرم‌افزار اسناد صدوق رحمته الله ایشان ۳۹۳ حدیث از وی نقل کرده است.^۳ گرچه در کتب رجالی دربارهٔ ایشان مطلبی نیامده؛ اما نرم‌افزار درایه که تلاش نموده قرائن مختلف در توثیق و تضعیف راویان را جمع‌آوری نماید دربارهٔ ایشان می‌نویسد:

«إمامی ثقہ علی التحقیق فقد أكثر الشیخ الصدوق من الروایة عنه».^۴

راوی سوم: حمزه بن القاسم بن محمد اللحیانی بن عبدالله العباسی العلوی

وی از راویان بزرگ شیعه بوده است. نجاشی دربارهٔ ایشان نوشته است:

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۲، ح ۷.

۲. رجال طوسی، ص ۴۳۹، رقم ۶۲۷۵.

۳. نرم‌افزار اسناد شیخ صدوق، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.

۴. نرم‌افزار درایه النور، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور.

حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبید الله بن العباس بن علی بن ابی طالب [علیه السلام] أبو یعلی، ثقه، جلیل القدر، من أصحابنا، کثیر الحدیث.^۱

راوی چهارم: محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی

ایشان از محدثان بزرگ قم بوده است. کلینی در کتاب شریف کافی روایات فراوانی از وی نقل نموده است. علمای رجال و فقهای شیعه او را توثیق و تمجید کرده‌اند. نجاشی درباره ایشان می‌گوید:

شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقه، عین، کثیر الحدیث.^۲

راوی پنجم: شخصی از اهل ری

تنها راوی که در این سند، مجهول است، شخصی از اهل ری می‌باشد.

عَمَّنْ دَخَلَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي مِنْ أَهْلِ الرَّيِّ

۱/۲. سند روایت کامل زیارات

راویانی که در کامل زیارات آمده عبارت‌اند از:

راوی اول: جعفر بن محمد بن قولویه قمی

جعفر بن محمد بن قولویه قمی، مؤلف کتاب کامل زیارات است. نجاشی درباره ایشان می‌نویسد:

أبو القاسم از ثقات اصحاب ما و از شخصیت‌های گرانقدر آنه در حدیث و فقه است. هر زیبایی و علمی که مردم را با آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمد بن قولویه خواهی یافت.^۳

راوی دوم: علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی

علی بن بابویه، پدر شیخ صدوق است. مؤلفان کتاب‌های رجال به اتفاق ایشان را توثیق نموده‌اند. نجاشی درباره وی می‌نویسد:

أبو الحسن، شیخ القمیین فی عصره، و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم.^۴

۱. نجاشی، ص ۱۴۰، رقم ۳۶۴.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۵۳، رقم ۹۴۶.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.

۴. رجال نجاشی، ص ۲۶۱، رقم ۶۸۴.

راوی سوم: یَعْنِ أَهْلَ الرَّيِّ

در این سند نیز تنها راوی مجهول، شخصی از اهل ری است که شخصیت او در این سند معلوم نیست.

در جمع‌بندی سند روایت گفته می‌شود از آن جهت که این حدیث دو طریق دارد، سند آن تقویت می‌شود؛ اما با توجه به اینکه در هر دو سند، یک راوی مجهول وجود دارد، علی‌الظاهر حدیث مورد نظر از جهت سند، ضعیف ارزیابی می‌گردد.

۲. بررسی اعتبار منبع حدیث

بدیهی است که نقل یک روایت در منابع متعدد بر اعتبار آن می‌افزاید گرچه هر مقدار قدمت کتاب بیشتر باشد، اعتبار آن فزون‌تر می‌شود؛ اما نقل کتاب‌های متأخر نیز بی‌اثر نخواهد بود. حدیث مورد بحث علاوه بر اینکه در دو منبع متقدم شیعه یعنی ثواب الاعمال و کامل الزیارات آمده است، در رساله صاحب بن عبّاد نیز از آن یاد شده است.^۱ محدث نوری از نسخه رساله صاحب بن عبّاد که این روایت در آن آمده است، گزارش نموده است.^۲ علامه امینی نیز از وجود این روایت در نسخه‌ای از رساله صاحب بن عبّاد که نزد ایشان بوده، خبر می‌دهد.^۳

در جوامع ثانویه مانند وسایل الشیعه^۴ و بحار الانوار^۵ و همچنین برخی کتاب‌های دیگر مانند هدایة الامه^۶ و تعدادی از کتاب‌های شرح الحدیثی مانند روضة المتقین^۷ و شرح أصول الکافی ملاصدرا^۸ نیز این حدیث آمده است. از آنجا که عالمان بزرگی همچون محمدتقی مجلسی و ملاصدرا علاوه بر نقل حدیث، آن را تلقی به قبول نیز نموده‌اند، از جهت منبع، اعتبار نسبتاً خوبی نصیب روایت می‌گردد.

۱. ر.ک: فرائس المخطوطات، المجموعة الرابعة طبع بغداد و فیها رسالة فی احوال عبدالعظیم الحسنی لصاحب بن عبّاد، ص ۲۰.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، خاتمه، ج ۴، ص ۴۰۴: «أما عبد العظیم، فهو من أجلاء السادات، و سادة الأجلّاء، نقصر فی ذکر حاله علی نقل رسالة من الصاحب بن عبّاد وصلت إلینا بخط بعض بنی بابویه، تاریخ الخط، سنة ستّ عشرة و خمسمائة، صورتها».

۳. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۴. ج ۱۴، ص ۵۷۵.

۵. ج ۹۹، ص ۲۶۸.

۶. ج ۵، ص ۵۱۳.

۷. ج ۳، ص ۳۵۷؛ ج ۱۴، ص ۱۶۵.

۸. ج ۳، ص ۲۷۶.

علاوه بر آن، شهادت ابن قولویه در مقدمه کتاب کامل الزیارات، دلیلی دیگر بر اعتبار این حدیث است. ایشان در مقدمه کتابش می‌نویسد:

حتى أخرجته و جمعته عن الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين من أحاديثهم و لم أخرج فيه حديثا روى عن غيرهم...^۱

بر اساس شهادت ابن قولویه، برخی گفته‌اند تمام مشایخ ابن قولویه در کامل الزیارات ثقة هستند و عده‌ای دیگر قائل شده‌اند که اساتید بی‌واسطه ایشان ثقة هستند؛ اما از آنجا که بین مشایخ باواسطه و بی‌واسطه ابن قولویه راویان ضعیف وجود دارد، احتمال می‌رود که سخن ایشان ناظر به صاحبان کتبی باشد که روایاتش را از آن کتب گرفته است؛ یعنی ایشان منابع و مصادر خود را توثیق می‌کند نه مشایخ را. بنابراین، ایشان در مقام بحث رجالی نبوده؛ لذا اگر فایده رجالی نداشته باشد به غرض ایشان خللی وارد نشده است. ایشان می‌خواست اعتبار روایات کتابش را بیان کند و با این بیان به‌طور اجمالی اعتبار روایات اثبات می‌شود. شبیه عبارتی که شیخ صدوق در مقدمه فقیه نقل کرده است. شیخ صدوق می‌نویسد:

و جمع ما فيه مستخرج من كتب مشهوره عليها المعول و إليها المرجع
مثل كتاب حريز بن عبد الله السجستاني.^۲

یعنی کتب مورد استفاده من کتب مشهور و مورد اعتماد بوده است. افراد مشهور به علم و حدیث غالبا صاحب کتاب هستند و لذا این عبارت با این احتمال (توثیق صاحبان کتب) بیشتر سازگار است. در آن عصر دیگر دوران روایت شفاهی منتفی بوده است و تقریبا همه روایات به‌صورت مکتوب نقل می‌شده‌اند. پس می‌توان با اطمینان گفت همه روایات از کتب اخذ کرده و طرق به این کتب ارزشی ندارند. بنابراین مشایخ بلاواسطه ابن قولویه که فقط نقش اجازه روایت را داشته‌اند، ثقة‌بودن یا نبودن مهم نیست.^۳

در جمع‌بندی منبع حدیث می‌توان گفت که روایت مذکور از اعتبار نسبی خوبی برخوردار است.

۱. کامل الزیارات، مقدمه کتاب.

۲. من لا يحضره الفقيه، مقدمه کتاب.

۳. ر.ک: درس خارج رجال استاد سیدجواد شبیری زنجانی، جلسه ۶۵.

۳. بررسی اعتبار روایت از جهت متن و محتوا

پس از بررسی اعتبار روایت از جهت سند و متن، با تحلیل متن محتوای حدیث، به اعتبار محتوایی آن پرداخته می‌شود و با تأیید محتوای حدیث، بر اعتبار صدور آن افزوده می‌گردد. اکنون قرائتی که در پذیرش متن و محتوای روایت مؤثر است آورده می‌شود.

۳/۱. عدم مخالفت و تناقض با عقل

فقها و محدثان شیعه از عقل به‌عنوان یکی از معیارهای اعتبارسنجی روایات یاد کرده‌اند. سید مرتضی حتی پیش از معیار قرآن و سنت از معیار عقل یاد کرده و بر اساس آن روایاتی نظیر رؤیت خداوند را قابل نقد دانسته است.^۱ شیخ حر عاملی عقل صریح را از معیارهای نقد روایات معرفی می‌کند.^۲ آیت‌الله سبحانی عقل حصیف (محکم و استوار) را یکی از معیارهای نقد و بی‌اعتبار شدن روایت می‌داند.^۳

برابری ثواب زیارت عبدالعظیم با زیارت امام حسین علیه السلام، ناسازگاری و تناقضی با عقل ندارد، لذا قرینه‌ای بر پذیرش و صدور این حدیث است.

۳/۲. عدم تناقض روایت با عقاید شیعی

بالاترین درجه اعتبار اخبار از آن روایات متواتر است و خبر واحد درجه پایین‌تری دارد. حال اگر خبر واحد دارای قرائن صدور و صحت باشد، رتبه آن بالا می‌رود. یکی از این قرائن، موافقت خبر با نصوص و مفاهیم روایی پذیرفته شده است. به‌ویژه اگر این مفاهیم جزو اعتقادات شیعه بوده و موجب هم‌خوانی کتاب با فرهنگ شیعی شود. زیارت در گذشتگان از مفاهیم و اعتقادات خاص شیعی است. از آنجا که در این روایت، توصیه به زیارت یکی از اولیای الهی شده، لذا با عقاید و مسلمات پذیرفته شده شیعه موافق بوده، از همین سو، قرینه‌ای بر صدور آن از جانب معصوم علیه السلام می‌باشد.

۳/۳. هم‌خوانی و هماهنگی با روایات دیگر

یکی دیگر از ملاک‌های محتوایی تقویت حدیث، هم‌خوانی و هماهنگی روایت با روایات دیگر است؛ یعنی هم‌سوبودن یک روایات با روایات دیگر باعث تقویت آن می‌شود. به‌عنوان نمونه، در

۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. الفوائد الطوسیه، ص ۴۹؛ الاثنا عشریه، ص ۹۱-۹۴.

۳. الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، ص ۴۵.

روایات متعددی ثواب زیارت مؤمنان با زیارت امامان معصوم علیهم السلام برابر دانسته‌اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام که در منابع متعدد همچون تهذیب الاحکام^۱، من لایحضره الفقیه^۲، ثواب الاعمال^۳، کامل الزیارات^۴، المقنعه شیخ مفید^۵، المزار شیخ مفید^۶، المزار شهید اول^۷، مزار ابن مشهدی^۸ آمده است:

مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِي شِيعَتِنَا يَكْتُبْ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا وَ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيُزِرْ صَالِحِي مَوَالِينَا يَكْتُبْ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا: کسی که قدرت و توانایی ندارد ما را یاری نماید، اگر شیعیان صالح ما را یاری کند ثواب یاری ما برای او نوشته می‌شود و کسی که قادر نیست ما را زیارت نماید، یکی از شیعیان صالح ما را زیارت نماید، ثواب زیارت ما برای او نوشته می‌شود.

به‌طور یقین، عبدالعظیم حسنی علیه السلام از صالحان و شیعیان خاص بوده؛ لذا این روایت بهترین دلیل برابری ثواب زیارت غیر معصوم با زیارت معصوم در صورت عدم قدرت بر زیارت معصوم است.

همچنین در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

...فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَقَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَنِي... وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّمَا زَارَهُمَا...: کسی که یکی از فرزندان امام حسن و حسین علیهم السلام را زیارت نماید، مانند این است که آن دو امام را زیارت نموده باشد.^۹

بدیهی است که حضرت عبدالعظیم علیه السلام از امامزادگان با عظمت و از نسل و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۱. ج ۶، ص ۱۰۴.

۲. ج ۲، ص ۷۳.

۳. ص ۹۹.

۴. ص ۳۱۹.

۵. ص ۴۹۱.

۶. ص ۲۱۶.

۷. ص ۲۲۱.

۸. ص ۶۰۰.

۹. بشارة المصطفى لشعبة المرتضى، ص ۱۳۹.

۳/۴. همسان سازی عمل کوچکتر با عمل بزرگتر

یکی دیگر از مؤیدات محتوایی این روایت که پذیرش آن را ممکن می‌نماید، این است که در روایات متعددی اعمالی آسان‌تر از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام در ثواب، همسان و برابر با زیارت سیدالشهداء علیه السلام دانسته‌اند.

نمونه اول:

امام صادق علیه السلام به سدید فرمود: آیا هر روز قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت می‌کنی؟... آن گاه

حضرت فرمود:

ای سدید، چرا خود را مقید نمی‌سازی که هر جمعه پنج‌بار و هر روز یک بار قبر حسین بن علی علیه السلام را زیارت کنی؟ عرض کردم بین ما و قبر ایشان فرسخ‌ها فاصله است! حضرت فرمود: به بلندی برو، به سمت راست و چپ خود توجه کن، سرت را سوی آسمان کن و سپس به سوی قبر حسین بن علی علیه السلام توجه کن و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.» اگر چنین کنی، برای تو یک زیارت نوشته می‌شود و هر زیارت معادل یک حج و یک عمره است.^۱

نمونه دوم:

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به سدید فرمودند:

ای سدید، آیا زیاد به زیارت قبر حسین علیه السلام می‌روی؟ عرض کردم: راه من دور است. حضرت فرمود: «آیا می‌خواهی عملی به تو پیاموزم که اگر آن را انجام دهی برای تو آن زیارت نوشته شود؟ عرض کردم، بله. فرمود: در منزلت غسل کن، به بام منزلت برو و با سلام به سوی قبر حسین بن علی علیه السلام اشاره کن، آنگاه بگو...»^۲

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۸۹.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۹۰.

بنابراین، وقتی رفتن بر پشت بام خانه خود و سلام دادن از راه دور می‌تواند ثواب زیارت آن حضرت را داشته باشد، چه اشکالی دارد که زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام هم در ثواب با زیارت امام حسین علیه السلام برابری نماید.

در جمع‌بندی باید گفت با توجه به وجود قرائن مختلف بر صحت محتوای حدیث، پذیرش آن ممکن بوده و از این جهت، اعتبار خوبی نصیب آن می‌شود. لذا امکان صدور این حدیث از معصوم علیه السلام قوت می‌گیرد.

ب. اشکالات احتمالی حدیث

پس از بررسی اعتبار و محتوای روایت مذکور، برخی از اشکالات احتمالی، مطرح و پاسخ داده می‌شود.

اشکال اول: ضعف سند

روایت مورد بحث به دلیل مجهول بودن راوی ناقل از امام علیه السلام از لحاظ سندی ضعیف ارزیابی می‌گردد. بنابراین، اعتبار ندارد.

در پاسخ این اشکال باید گفت: ۱. قرائن مختلفی برای تصحیح و تقویت راوی مجهول در این سند وجود دارد؛ ۲. حتی در صورت پذیرش ضعف سند حدیث، با وجود دلایل متعدد برای صدور حدیث، ضرری به اعتبار روایت وارد نمی‌شود؛ زیرا ضعف سند، تنها ملاک ارزیابی حدیث نیست. قرائن تقویت راوی از قرار زیر است:

از متن خبر، روشن است که راوی مجهول، از موالیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام و همچنین از مجاهدان و فداکاران این خاندان بوده است؛ زیرا در عصر خفقان و ممنوعیت زیارت امام حسین علیه السلام، به زیارت آن حضرت رفته است.

راوی مجهول، شیعه اثنی‌عشری بوده است؛ زیرا پس از زیارت سیدالشهداء علیه السلام در سامراء خدمت امام هادی علیه السلام رسیده و این حدیث را در محضر شریف آن حضرت استماع نموده است؛ بلکه علاوه بر آن از خواص شیعیان بوده است؛ زیرا در آن عصر، سامرا به‌طور کامل تحت نظر بوده و ملاقات با امام هادی علیه السلام مشقت فراوانی داشته است و لذا هر کسی در چنین شرایطی حاضر نمی‌شود به زیارت امام هادی علیه السلام برود.

این احتمال نیز وجود دارد که محمد بن یحیی به دلیل عظمت آن شخص و احتمال این که به دلیل رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام و شرفیاب شدن محضر امام هادی علیه السلام، از طرف حکومت مورد پیگیری و تعقیب قرار گیرد، از روی تقیه، نام ایشان را نبرده تا آن شخص شناسایی نشود. بنابراین، ضعف راوی مجهول ثابت نیست و حتی در صورت اثبات ضعف وی، قرآنی برای تقویت سند^۱ وجود دارد که عبارتند از:

ضعف سند گاهی به خاطر تضعیف راوی توسط رجالیان و گاهی به دلیل مشخص نبودن راوی است. بدیهی است که این دو ضعف در یک رتبه نیستند و ضعف سند این حدیث از نوع دوم است. میرداماد معتقد است تصریح علمای رجال به مجهولیت راوی، باعث ضعف سند است؛ ولی ذکر نشدن راوی در کتب رجالی دلیل بر ضعف او نمی‌شود. از همین جهت است که علامه حلّی و ابن داود، افرادی که درباره آنها مدح و ذمی در کتاب‌های رجالی نیامده را در بخش مجروحین کتاب‌های خود نیاورده‌اند.^۲ آیت‌الله بروجرودی در این باره می‌گوید:

عدم ذکر راوی در کتب رجال، دلیل ضعف راوی نیست.^۳

راوی اصلی حدیث، محمد بن یحیی، از استادان کلینی است که رجالیان شیعه او را به بزرگی یاد کرده و به وثاقت، راستگویی، علم و تقوا ستوده‌اند.^۴ بدیهی است که ایشان راوی که از او روایت کرده را ملاقات نموده و او را می‌شناخته و از کسی مانند محمد بن یحیی بعید است که از فردی دروغگو، چنین روایتی که مسأله‌ای بسیار مهم را بیان می‌کند، نقل نماید.

آیت‌الله خوئی در معجم رجال الحدیث، به دلیل اشتهار این روایت آن را همانند حدیث صحیح تلقی کرده است.^۵ همچنین محمدباقر موسوی خوانساری، سند این حدیث را معتبر دانسته است.^۶

۱. باید توجه داشت که ضعف سند با ضعف راوی متفاوت است. گاهی یک راوی تضعیف می‌شود که با تقویت آن، ضعف سند جبران می‌شود؛ اما گاهی سند تضعیف می‌شود که ممکن است تضعیف آن به دلیل ضعف چند راوی باشد. لذا با تقویت یکی از راویان هنوز ضعف سند باقی است و در اینجا دلیل ضعف سند تنها به خاطر ضعف یک راوی است.

۲. ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۱۲۲.

۳. نهاية التقرير، ج ۱، ص ۲۷۱.

۴. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۲۵۰.

۵. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۴۹.

۶. روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۱۱.

اشکال دوم: عدم نقل روایت در جوامع حدیثی اولیه

یکی دیگر از اشکالاتی که ممکن است بر حدیث مورد بحث گرفته شود، اینکه در جوامع حدیثی اولیه شیعه نیامده است.

پاسخ: گرچه آمدن روایت در برخی کتاب‌ها مانند من لا یحضره الفقیه به دلیل شهادت مؤلف آن بر صحت احادیث کتابش، باعث تقویت حدیث می‌گردد؛ اما نبود حدیث در جوامع اولیه، الزاما دلیل ضعف آن نیست؛ زیرا ممکن است به دلایل دیگری (مانند عدم تناسب موضوع آن حدیث با کتاب، یا در دسترس نبود حدیث برای آن مؤلف، یا عدم احساس نیاز برای آوردن حدیث در کتابش، یا عدم کارایی حدیث در آن عصر و...) نیامده باشد.

آیا همه روایاتی که عالمان شیعه به آن عمل می‌کنند در جوامع حدیثی اولیه آمده است؟ لذا اگر بخواهیم این روایت را به دلیل نیامدن در کتب اولیه، تضعیف کنیم باید بر اساس یک قاعده باشد؛ یعنی در همه جا این گونه باشیم که هر حدیثی در جوامع اولیه نباشد را تضعیف نماییم؛ در حالی که بعید است کسی به چنین قاعده‌ای ملتزم باشد.

اشکال سوم: انحصار نقل روایت در حوزه حدیثی قم

اشکال دیگری که مطرح شده این است که روایت مذکور فقط در حوزه حدیثی قم مطرح شده و حوزه‌های دیگر مانند بغداد آن را نیاورده‌اند.

در پاسخ این اشکال چند پاسخ بیان می‌شود:

۱. احتمال نقل روایت در حوزه ری وجود دارد؛ زیرا شیخ صدوق در ری هم زیسته است. لذا با توجه به اینکه راوی حدیث از اهل ری است، احتمال اینکه حدیث را در ری شنیده باشد بسیار محتمل است و لذا حدیث خاص حوزه قم نیست.

۲. این قولیه در بغداد هم زیسته است. لذا از جهتی می‌توان گفت این حدیث در حوزه بغداد هم نقل شده است.

به فرض عدم نقل روایت در حوزه‌ای دیگر، باز هم از این جهت اشکالی وارد نیست؛ زیرا این گونه نیست که عالمان شیعه روایتی که فقط منحصر به حوزه حدیثی قم باشد و در دیگر حوزه‌های حدیثی نقل نشده باشد را مردود دانسته و یا آن را تضعیف کرده باشند.

قمی بودن راویان یک روایت، دلیل بر ضعف نیست؛ بلکه دلیل تقویت حدیث است؛ زیرا راویان قمی در نقل روایات به شدت سخت‌گیر بودند و هر حدیثی را نقل نمی‌کردند. به تعبیر دیگر، سخت‌گیرترین حوزه حدیثی شیعه، قم بوده و با غالبان یا راویان ضعیف به شدت برخورد می‌کردند، به‌گونه‌ای که احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن محمد خالد برقی را به دلیل نقل از ضعف از قم

اخراج کرد. وحید بهبهانی قائل است به دلیل سخت‌گیری راویان قمی در پذیرش روایت، نقل آنان از یک راوی، دلیل و قرینه بر موثق بودن وی است.^۱ بنابراین، گرچه آن راوی را به صورت مصداقی نشناسیم؛ اما می‌توان به وثاقت او حکم نمود.

نتیجه‌گیری

روایت برابری زیارت عبدالعظیم ع با سیدالشهداء ع از جهت صدور دارای قرائن متعدد است. این حدیث گرچه در نگاه اولیه به دلیل مجهول بودن یک راوی و ارسال سند، از جهت سند، ضعیف ارزیابی می‌گردد؛ اما با توجه به قرائن مختلف می‌توان آن سند را تصحیح نمود. بنابراین، حتی بر اساس مبنای وثوق سندی هم می‌توان ادعا نمود که روایت مذکور قابل‌پذیر است؛ اما اگر قائل به مبنای مشهور یعنی وثوق صدور گردیم، به دلیل نقل روایت در منابع متعدد و متقدم که دارای اعتبار خوبی هستند، از جهت اعتبار منبع، این حدیث مورد تأیید قرار می‌گیرد. قرائن دیگری که دال بر صحت متن حدیث دارد؛ مانند عدم مخالفت و تناقض حدیث با عقل، عدم تناقض با عقاید شیعی و هم‌خوانی با روایات دیگر، نیز بر اعتبار روایت افزوده است. بنابراین، نه تنها امکان وقوعی صدور این حدیث تأیید می‌گردد؛ بلکه اطمینان نسبی که مجوز عمل به این حدیث باشد نیز دور از دسترس نیست.

۱. ر.ک: حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، ص ۷۲۴.

فهرست منابع

۱. الإختصاص، محمد بن محمد، مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳. بشاره المصطفی لشیعة المرتضی، عمادالدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، طبری، آملی، نجف اشرف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۳ق.
۴. تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن طوسی، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی، ابن بابویه، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۶. حاشیه مجمع الفائده و البرهان، محمدباقر بن محمد اکمل وحید، بهبهانی، قم: مؤسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ق.
۷. الحدیث النبوی بین الروایة و الدراية، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۹ق.
۸. رجال، احمد بن علی، نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۹. رجال، محمد بن الحسن، الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۱۰. رسائل الشریف المرتضی، سید مرتضی، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۱. روش شناسی نقد احادیث، علی، نصیری، وحی و خرد، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۲. روضات الجنات، سید محمدباقر موسوی خوانساری، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ش.
۱۳. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی بن مقصود علی، مجلسی، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، ۱۴۰۶ق.
۱۴. شرح أصول کافی ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، صدرالدین شیرازی، تصحیح: محمد خواجوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. الفوائد الطوسیة، محمد بن حسن، حر عاملی، محلاتی، ۱۴۲۳ق.
۱۶. کامل الزیارات، جعفر بن محمد، ابن قولویه، تصحیح: عبدالحسین علامه امینی و غلامرضا عرفانیان یزدی، نجف اشرف: مطبعة المباركة المرتضویة، ۱۳۵۶ق.

۱۷. کتاب المزار، محمد بن محمد، مفید، تحقیق: محمداقرا ابطحی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۸. کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۵ق.
۱۹. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۰. المزار الکبیر، محمد بن جعفر، ابن مشهدی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۲۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی، نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۲. مصباح الأصول، سید ابوالقاسم، خوبی، قم: داوری، بی تا.
۲۳. معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم، خوبی، قم: موسسه خوبی الاسلامیه، بی تا.
۲۴. المقنعه، محمد بن محمد نعمان، مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۵. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی، ابن بابویه موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۶. نرم افزار اسناد شیخ صدوق، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور، بی تا.
۲۷. نرم افزار درایه النور، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی نور، بی تا.
۲۸. نفائس المخطوطات (مجموعه چهارم)، رساله فی احوال عبدالعظیم الحسنی لصاحب بن عبّاد، درس خارج رجال استاد سید جواد شبیری زنجانی، بغداد، سایت فقاقت، بی تا.
۲۹. نهاییه التقرير، سید حسین، بروجردی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰ق.
۳۰. وسایل الشیعه، محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۱. هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة، محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، تحقیق: آستان قدس رضوی، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، ۱۴۱۴ق.

مقاله

۱. «وثوق صدوري و وثوق سندي و دیدگاهها»، محمد حسن ربانی بیرجندی، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۷.